

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی الله علی محمد وآله الطاهین

مطالعات قرآن و حدیث

۱۹

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال دهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر حسین علی سعدی

سر دبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: دکتر محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکنچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلاهی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

۲۴۴ صفحه / ۱۵۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.journals.isu.ac.ir>

امور فنی: معاونت پژوهشی، اداره تولید و نشر آثار علمی
امور توزیع و مشترکین: معاونت پژوهشی، اداره توزیع و فروش

فهرست مطالب به ترتیب حروف الفبا

- اختلاف قرائت در اولین آیه ربا و نقش آن در آراء مفسران و فقیهان شیعه ۳۳-۵
محمد رضا ستوده نیا، علی اکبر صافی اصفهانی
- الزامات روش شناختی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم (بررسی نمونه محور آثار مرتبط با معناشناسی) ۷۱-۳۵
قاسم درزی، احمد پاکتچی، احد فرامرز قراملکی
- پژوهشی درباره منع ورود مشرکان به مکه در پرتو آخرمائزل بودن سوره مائده ۱۰۳-۷۳
امیر احمد نژاد، زهرا کلباسی
- تحلیل سیره معصومان در مواجهه با اهانت کنندگان نادان و مغرض ۱۳۵-۱۰۵
میثم مطیعی
- سطوح معانی ظاهری واژگان قرآنی ۱۶۷-۱۳۷
قاسم بستانی
- گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ اصبخ و گفتمان "امامت وصایتی" ۲۰۳-۱۶۹
علی راد، مریم ولایتی
- مفردات قرآن و ریشه‌شناسی تاریخی؛ بایسته‌ها و آسیب‌های موجود ۲۲۸-۲۰۵
حیدر عیوضی
- چکیده مقالات به زبان عربی ۲۲۹
- چکیده مقالات به زبان انگلیسی ۲۳۶

اختلاف قرائت در اولین آیه ربا و نقش آن در آراء مفسران و فقیهان شیعه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۴

محمد رضا ستوده نیا*

علی اکبر صافی اصفهانی**

چکیده

اختلاف قرائت قرآنی در برخی از آیات الاحکام، باعث اختلاف در برداشت و فهم مفسران و فقها شده است. در این مقاله با توجه به اهمیت بحث ربا در جامعه و مذمت و نهی از آن در اقتصاد اسلامی، به بررسی اختلاف قرائت آیه ۳۹ سوره روم و اثر آن بر آرای مفسران و فقیهان شیعه می‌پردازیم و ضمن تبیین و تحلیل لغوی، قرائی، روایی و تفسیری ربا با بیان اختلاف قرائت دو واژه «أَتَيْتُم (آتیتم)» و «لِئَرْبُوا (لئربوا)» و بررسی وجوه قرائت و احتجاجات هر قرائت، با نگاهی تحلیلی نشان داده می‌شود که تنوع برداشت‌های حکمی از این آیه از قبیل ربای حلال یا حرام و نیز تنوع برداشت‌های مصداقی همچون تفسیر متعلق ربا در آیه به عطیه یا هدیه یا هبه یا قرض فایده دار یا ربای نسبی در نظر مفسران و فقیهان شیعه، ناظر به اختلاف قرائت آیه است و توجه به قرائت توسط بسیاری از این فقیهان و مفسران است که ظرفیت این تفاسیر و فتاوی مختلف را ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی

ربا، اختلاف قرائت، تفسیر، فقه، آیات الاحکام، سوره روم

bayanelm@yahoo.com

safi@dte.ir

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

مقدمه

اختلاف قرائات یکی از مباحث مهم قرآن پژوهی و از موضوعات بنیادین در حوزه‌های علوم قرآن، تفسیر، فقه و کلام محسوب می‌شود. از سوی دیگر تحولات عصری و پیدایش نیازهای جدید در عرصه تکالیف شرعی، توجه به اختلاف قرائات آیات الاحکام و گسترش دامنه برداشت و استفاده مفسران و فقیهان از قرآن کریم را ایجاب می‌کند. با اینکه امروزه قرآن رایج در میان بیشتر مسلمانان بر طبق روایت حفص از عاصم است، اما تردیدی نیست که جواز قرائات سبع و حتی عشر و جواز عمل بر طبق این قرائات، دیدگاه غالب در بین عالمان شیعه و سنی بوده است (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۰۹).

برخی از فقیهان صاحب نام شیعه، قرائات مشهور قرآن را معتبر دانسته و در مبانی نظری خود بر اعتبار قرائات سبع (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۳) یا قرائات عشر (شهیدثانی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۵) تصریح نموده و به جواز قرائات سبع (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۴۵) یا عشر (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۱) در نماز که امری عبادی است و برائت یقینی ذمه مکلف از عمل را اقتضاء دارد، فتوا داده‌اند. حتی برخی فقیهان شیعه همچون صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۷۳ش، ج ۹، ص ۲۹۳) و حکیم (۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۴۲-۲۴۶) و امام خمینی در حواشی خود بر عروه (۱۴۲۲ق، ص ۳۵۳) و خوئی در تعلیقات عروه (۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۵۰۲)، که انحصار قرائات در سبع یا عشر مشهور و تواتر آن‌ها را بر نمی‌تابند، هر قرائت صحیح و مطابق با نهج عربی را که در زمان ائمه (ع) شهرت داشته، هرچند در شمار قرائات سبع یا عشر نباشد، جایز دانسته‌اند.

بر این اساس می‌توان آیات الاحکام دارای اختلاف قرائات معتبر را در حوزه فقه که با اعمال مکلفان سروکار دارد و از اهمیت خاصی برخوردار است، بر طبق هر قرائت مورد تحلیل قرار داد و برداشت‌های فقهی متعدد و متنوعی را ارائه کرد. چنانچه در تحلیل دو قرائت کلمه یطهرن در «ولا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ» (بقره: ۲۱۹)، شیخ طوسی در تفسیر تبیان دو فتوای جواز وطی زن قبل یا بعد از غسل را ناشی از دو قرائت تشدید یا تخفیف طاء «یطهرن» می‌داند: «فمن قال لا یجوز وطؤها الا بعد الطهر من الدم و الاغتسال، تعلق

بالقراءة بالشدید، فاتها تفید الاغتسال. و من قال يجوز، تعلق بالقراءة بالتخفيف و إنها لا تفید الاغتسال» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۳۱).

و یا در آیه «و لا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۹۱) که دو قرائت با الف (لا تقاتلوهم) و بدون الف (لا تقتلوهم) دارد (ابن مجاهد، ۲۰۰۹م، ص ۱۷۹)، محقق حلی به نسخ این آیه و جواز قتل مشرک در حرم مطابق آیه «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه: ۵)، فتوا داده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۹) و این فتوا از گرایش وی به قرائت بدون الف حکایت دارد زیرا بین قرائت بدون الف در این آیه و فاقتلوا در آیه بعد، رابطه تباین به وجود می آید و فقیه را به ناچار به نسخ گزاره متقدم وا می دارد. اما علامه حلی ضمن مردود شمردن نسخ آیه، معتقد است وقتی در قرائت با الف از اصل قتال با مشرکان در حرم، منع می کند به طریق اولی کشتن آنان در حرم جایز نیست و می بایست آیه بعدی را با این آیه تخصیص زد. وی رابطه بین این آیه و آیه بعد را رابطه خاص و عام می داند و به تخصیص عام با خاص و تحریم قتل مشرک در حرم فتوا می دهد. زیرا آیه بقره (خاص)، آیه توبه (عام) را تخصیص می زند به این صورت که کشتن مشرکان در هر مکان جایز است مگر در حرم. این فتوا از گرایش علامه حلی به قرائت یقاتلون حکایت دارد (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۷).

آیه مورد بحث در این مقاله نیز که اولین آیه نزول یافته در موضوع ربا است، یعنی آیه ۳۹ سوره روم، از جمله آیاتی است که وجود اختلاف قرائت در آن، موجب استخراج گزاره های تفسیری و فقهی متفاوت می شود.

در این مقاله، این آیه از زوایای مختلف لغوی، قرائی، روائی و تفسیری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و نشان داده می شود که اختلاف قرائات مشهور در حروف و اعراب دو کلمه از این آیه یعنی «آیتیم- آیتیم» و «لیربوا- لیربوا»، چگونه می تواند در تفسیر آیه و گزاره های فقهی مستخرج از آن تاثیر گذارد.

۱. آیه ربا و اختلاف قرائات آن

«وَمَا آتَيْتُم (آیتیم) مِنْ رِبَاً لَّيْرَبُوا (لیربوا) فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُم مِّنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ»: و آنچه ربا می دهید (یا ربا می کنید) تا فزونی گیرد (یا

فزونی دهید) در اموال مردم، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید چنین کسانی دارای پاداش مضاعفند (روم: ۳۹).

در حروف و حرکات دو کلمه از این آیه اختلاف قرائت وجود دارد:

۱- «آتیتم» و ۲- «لیربوا».

در کلمه اول، ابن کثیر از قراء سبع، «آتیتم» به قصر الف بر وزن «فعلتُم» به معنای «جنتم یا فعلتم» و سایر قراء، «آتیتم» به مدّ الف از باب افعال به معنای «أعطیتم» قرائت کرده‌اند و در کلمه دوم، نافع از قراء سبع (ابن خلف، ۱۴۰۵ق، ص ۱۵۱؛ ابن مجاهد، ۲۰۰۹م، ص ۵۰۷) و ابوجعفر و یعقوب از قراء عشر (ابن جزری، بی‌تا، ص ۳۴۴)، «لیربوا» در هیأت خطاب و سایر قراء «لیربوا» در هیأت غائب و ثلاثی مجرد قرائت کرده‌اند. در نتیجه، اختلاف قراء سبع و عشر مشهور در قرائت کلمات یاد شده، سه قرائت متفاوت را در آیه پدید آورده است: ۱- «آتیتم- لیربوا»: قرائت ابن کثیر از قراء سبع ۲- «آتیتم- لیربوا»: قرائت نافع از قراء سبع و ابو جعفر و یعقوب از قراء عشر ۳- «آتیتم- لیربوا»: قرائت سایر قراء سبع و عشر.

۲. تأویل هر قرائت

مطابق سه قرائتی که از اختلاف قرائات سبع و عشر در این آیه شکل گرفته است، می‌توان سه تأویل و به تبع آن سه برداشت تفسیری و گزاره فقهی را برای این آیه ارائه داد:

۱-۲. تأویل آیه بر طبق قرائت ابن کثیر (آتیتم- لیربوا)

«ما جنتم ای فعلتم من زیادة لیربوا المأخوذ او المعطى فی اموال الناس فلا یزید عندالله» است یعنی آنچه اقدام به ربا می‌کنید تا در اموال مردم فزونی یابد، در نزد پروردگار اعتبار و ارزشی ندارد. نتیجه مبتنی بر این تأویل، نفی فعل ربا اعم از دادن و گرفتن به انگیزه درونی تفاضل و بیشتر گرفتن است. اگر درخصوص این قرائت که اقدام به ربا اعم از دادن و گرفتن را می‌رساند، اشکال شود که گرفتن ربا به طمع و انگیزه فزونی یافتن در اموال چه معنایی دارد؟

باید گفت که اتفاقاً امروزه در نظام بانکی به دلیل اینکه گاهی نرخ بهره بسیار کمتر از نرخ تورم و میزان کاهش ارزش پول ملی است، برخی وام گیرندگان به انگیزه تجاری و سود بردن و ازدیاد مال خود، به وام گرفتن از بانکها و بهره‌برداری از دارایی‌های مردم در بانکها (لیربوا فی اموال الناس)، اقدام می‌کنند.

۲-۲. تأویل آیه بر طبق قرائت نافع (آیتیم- لُتْرُبُوا)

«ما أعطیتم من زیادة لِإِربائکم أی لِإِنمائکم (ایها المعطون) فی اموال الناس فلا یزید عندالله». یعنی آنچه ربا می‌دهید بدین منظور و غرض که در اموال مردم فزونی یابید، آن افزایش در نزد پروردگار معتبر نیست. نتیجه مبتنی بر این تأویل، نفی ربا دادن به شرط تفاضل و بیشتر گرفتن است.

۲-۳. تأویل آیه بر طبق قرائت سایر قراء (آیتیم- لیربوا)

«ما أعطیتم من زیادة لِیَزیدَ الرِّبَا المعطى فی اموال الناس فلا یزید عندالله» یعنی آنچه ربا می‌دهید تا ناخودآگاه در اموال مردم فزونی یابد، آن افزایش در نزد پروردگار معتبر نیست. نتیجه مبتنی بر این تأویل، نفی ربا دادن به انگیزه درونی و طمع تفاضل و بیشتر گرفتن است.

۳. شأن نزول آیه

مفسران برای این آیه شأن نزول خاصی را بیان نداشته‌اند؛ اما بیشتر آنان از روایاتی در ارتباط با این آیه شریفه یاد کرده‌اند که نوعی از ربا را مباح و مآکول می‌شمرد و آن عطیه یا هبه یا قرضی است که انسان به طمع و انتظار دریافت عوضی بیشتر به کسی بدهد. از ابن عباس دو نقل در ارتباط با این آیه وجود دارد. در نقل اول، ربای موجود در آیه را به عطیه و هدیه‌ای تفسیر می‌کند که کسی به کسی بدهد و بیشتر از آن را توقع داشته باشد (طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۱۰۴) و در نقل دوم ربای آیه را به هبه‌ای

تفسیر می‌کند که هبه دهنده در قصد این باشد که بیشتر از آنچه داده به او بازگردانند (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۱۷).

از امام صادق (ع) نیز دو روایت در ارتباط با این آیه وجود دارد. در یک روایت ربای آیه مورد بحث را از نوع ربای مأکول و آن را به هدیه تفسیر فرموده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۴۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۱۷) و در روایت دیگر آن را از قسم ربای حلال و آن را به فرضی تفسیر فرموده‌اند که فرض دهنده به طمع جلب بهره و سود نسبت به آن اقدام نموده باشد (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۵۹).

۴. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی ربا

۴-۱. «ربا» در لغت

اسم مقصور به معنای افزایش و رشد و مصدر «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو» از باب «عَلَى يَعْلُو» به معنای «زیاد شد» و «رَبَى الصَّغِيرُ يَرْبَى» از باب «تَعَبَّ يَتَعَبُّ» به معنای «رشد یافت» است و اسم منسوب آن رِبْوَى و مثنای آن رِبْوَان و رِبْيَان است. کلمه رِبْوَة (به تثلیث راء) که جَمْع آن رَبِيٌّ مثل مَدِيَّة و مُدِيٌّ است نیز از همین ریشه و به معنای زیادت یا مکان مرتفع است.

نیز «رُبِّيَّة» به تخفیف یا «رُبِّيَّة» به تشدید، مأخوذ از «ربا» است که در برخی گزاره‌ها از ربای دوران جاهلیت با این واژه یاد شده است؛ نظیر حدیث پیامبر در جریان صلح نجران که فرمودند: «أَنْ لَيْسَ عَلَيْهِمْ رُبِّيَّةٌ وَ لَا دَمٌّ» یعنی ربایی که در دوران جاهلیت بر اموال خود قرار داده‌اند از این پس ساقط می‌شود و باید به اصل مال خود بسنده نمایند و نیز خون‌هایی که در پی مطالبه آن به نزاع و جنگ می‌پرداختند از گردن آن‌ها ساقط است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۸۳؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴-۳۰۷).

نگاهی به برخی از استعمالات قرآنی واژه‌های مأخوذ از ربا، همچون «ربت» (حج: ۵) به معنای «رویش یافت» و «أرَبِيٌّ» (نحل: ۹۲) به معنای «بیشتر و افزون‌تر» و

«رایبا» (رعد: ۱۷) به معنای «پف کرده و به ظاهر انبوه» و «رابیة» (الحاقه: ۹) به معنای «بیشتر» و «ربوة» (مؤمنون: ۵۰) به معنای «بلندی»، نشان می‌دهد که معنای مرکزی موجود در تمام این مشتقات، همان زیادت و ارتفاع و رشد است (طریحی، ۱۶۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۵). البته سیاق برخی از آیات یاد شده همچون آیه ۱۷ رعد و ۹۲ نحل، به نوعی فزونی و رشد کاذب و ارتفاع غلط انداز و سراب گونه اشاره دارد که در حقیقت ماهیت ربای حرام و یا ربای حلال عاری از ثواب و عقاب نیز چیزی جز همین نیست.

۴-۲. ربا در اصطلاح

ربای حرام در اصطلاح فقه شیعه بر دو نوع است:

۱- ربای معاملی یا معاوضی یعنی معامله و معاوضه یک جنس با جنس مشابه آن هرچند یکی از دیگری مرغوب‌تر باشد، مثل معامله یک کیلو شیر پرچرب به یک کیلو و نیم شیر کم چرب.

۲- ربای قرضی یعنی قرض دادن جنسی یا پولی به کسی با این شرط که مقدار بیشتری از همان جنس یا جنس دیگر یا حتی خدمتی از خدمات را به آن وام ضمیمه نماید و برگرداند.

ربای قرضی در مکیل و موزون و معدود یکسان است و تفاوتی نمی‌کند که جنس قرض داده شده با پیمانانه یا وزن سنجیده شود یا با عدد، بلکه تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است ولی ربای معاملی در معدود جاری نیست و شرط اساسی در ربای معاملی این است که قابل سنجش با کیل یا وزن باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۵-۵۷). در اصطلاح مذاهب دیگر اسلامی، شافعیه معاوضه دو کالای غیر متمائل در حال عقد و بدون تاخیر در تحویل (ربای فضل) یا معاوضه دو کالای غیر متمائل در إزای تاخیر در تحویل هر دو یا یکی از آن دو (ربای نسیئه یا نساء) را ربا دانسته‌اند. حنفیه، تفاضل مشروط در بیع را که در إزای آن تفاضل چیزی قرار داده نشود، ربا دانسته‌اند.

برخی از حنابله تفاضل در کالاهایی مخصوص را ربا دانسته و برخی دیگر ربا را به ربای جلی و خفی تعریف نموده‌اند و ربای جلی را همان ربای جاهلی یعنی ربای نسیئه و تحریم شده در قرآن و ربای خفی را ربای فضل یا ربای بیع و تحریم شده در

سنت دانسته‌اند. مالکیه ربا در بیع و در دین مقرر در ذمه از ناحیه بیع یا سلف و غیره را ربای اصطلاحی خود قرار داده و ربای جاهلی را از انواع مورد اتفاق ربا دانسته‌اند (کاشف الغطاء، بی تا، ص ۳۹).

با تتبع بسیار در این بحث دریافتیم که اکثر فقیهان شیعه و سنی، استعمال ربا در ربای جاهلی یا همان ربای نسبیّه بنا بر مصطلح عامه یا ربای قرضی بنا بر مصطلح خاصه را استعمال حقیقی و یا حقیقت عرفی و استعمال لفظ ربا در غیر ربای جاهلی یعنی ربای در بیع یا غیره را مجاز یا حقیقت شرعی دانسته‌اند.

۵. پیشینه ربا قبل از نزول قرآن کریم

پیش از طلوع اسلام رباخواری در شبه جزیره عربستان گسترش و رواج داشته و تعدادی از اشراف در سایه این برنامه شوم اقتصادی به استثمار محرومان می‌پرداخته‌اند (جواد علی، بی تا، ج ۵، ص ۶۲۶-۶۲۷ و ج ۷، ص ۱۳۸ و ۲۳۰) و با توجه به اینکه خداوند در قرآن، عدم پایبندی یهودیان به کتاب آسمانی خود در پرهیز از ربا را یکی از عوامل محرومیت آنان از طیبات حلال و گرفتاری آنان به عذاب دردناک دانسته است (نساء: ۱۶۱ و ۱۶۲) و با توجه به عبارت «فَمَنْ أَكَلِ الرَّبَا مِنْهُمْ بَعْدَ عَامِهِ هَذَا فَلِمَ مَنِي مِنْهُ بَرِيئَةٌ» در قرارداد صلح پیامبر (ص) با مسیحیان نجران که بر سهیم بودن مسیحیان حجاز در معاملات ربوی عربستان دلالت دارد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۳۴۵)، به روشنی می‌توان دریافت که یهودیان و مسیحیان حجاز در اقدام به ربا و گسترش دادن این پدیده، پیشگام بوده‌اند.

قرآن برای مبارزه با این پدیده اقتصادی شوم و ناروا، برنامه‌ای چندلایه را به اجراء گذارد و در گام اول از این برنامه یعنی در آیه ۳۹ روم، با بیان ملایم و در قالب مقایسه ربا با زکات، با رباخواری عصر نزول به مخالفت برخاست و اولین اعتراض را بر این فرهنگ جاهلی وارد ساخت و توصیه نمود که به قرض گیرندگان فقیر و تهیدست به جای اعطای قرض ربوی، زکات داده شود.

در این آیه بجای تعبیر تند اکل ربا (ربا خواری) که در مجموع آیات دیگر ربا مشهود است («لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا» در ۱۳۰ و ۱۳۱ آل عمران؛ «أَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» در ۱۵۹

و ۱۶۰ نساء؛ «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا» در ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره)، از تعبیر ملائیم إیتاء ربا (ربا دادن) بنا بر قرائت «آیتیم» و إیتان ربا (انجام ربا) بنا بر قرائت «آیتیم»، استفاده شده و بجای بحث از نهی و تحریم و منکر خواندن ربا، تنها بر «فلایروا عندالله» اکتفاء شده است (جواهری، ۱۴۰۵ق، ص ۲۵).

۶. تبیین ربای جاهلی

غالب مفسران، ربای نقد یا ربای فضل در تعبیر اهل تسنن یا همان ربای معاملی و معاوضی در تعبیر امامیه یعنی مبادله دو نقد یا دو کالای متجانس همراه با تفاضل، مثل فروش یک من گندم به دو من گندم یا فروش یک درهم به دو درهم، را از دایره شمول این آیه خارج دانسته و معتقدند احکام این نوع از ربا را باید از روایات پیگیری نمود. لکن آنان در تبیین ربای جاهلی که در ظرف نزول این آیه جریان داشته است، موارد زیر را مورد اشاره کرده‌اند:

۶-۱. ربای نسیئه

یعنی اعطای مبلغی به کسی مشروط بر اینکه در هرماه مبلغی را به وام دهنده بپردازد و اصل مال را نیز پس از مدتی معین برگرداند و چنانچه پس از اتمام مهلت بازپرداخت اصل مال، مدیون قادر به پرداخت دین نباشد، زمان باز پرداخت در إزای افزایش اصل بدهی، به تعویق افتد. برخی با ذکر روایتی از ابن عباس ربای متداول در ظرف نزول آیه را منحصر در این نوع از ربا دانسته است. اینان معتقدند در همه موارد استعمال واژه ربا در قرآن، باید آن را بر ربای نسیئه که مصداق ربا در نزد مخاطبان اولیه قرآن بوده است، انطباق داد (رک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۷۳).

۶-۲. ربای قرضی

یعنی قرض دادن درهم و دینار همراه با تعیین زمان بازپرداخت و تعیین مقدار اضافی که قرض گیرنده می‌بایست پس از سررسید بر اصل مال بیافزاید. برخی این نوع از ربا را ربای متداول در نزد عرب جاهلی و مشمول احکام ربا در قرآن دانسته و

معتقدند احکام نوع دیگر ربا یعنی ربای نقد یا فضل را می‌بایست در روایات اصحاب جستجو نمود (ر.ک: جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۸۴).

۳-۶. ربا در پوشش عطیه یا هبه یا قرض طمع آلود

این ربا اینگونه بوده است که افراد نیازمند بدون قرار پرداخت اضافی از توانگران وام می‌گرفته‌اند و بعد از پایان مدت مقرر، وقتی وام دهنده به آن‌ها می‌گفته اُنقضی ام تُربی؟ یعنی آیا وام خود را ادا می‌کنی یا ربا می‌دهی؟ در صورت ناتوانی از بازپرداخت، با عبارت «زديني في الأجل و أزيدك في المال» یعنی بر مهلتم بیافزا تا بر اصل مال تو بیافزایم، تقاضای تمدید مهلت می‌کرده و طلبکاران با تمدید قرض مشروط به افزایش اصل بدهی، موافقت می‌کرده‌اند. برخی با استناد به روایتی از ابن عباس و سعید بن جبیر از این نوع خاص از ربا در جاهلیت، سخن گفته‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۹؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۶-۴۹).

در هر صورت می‌توان تصور نمود که معنای ربا در این آیه، معنای عام ربای جاهلی و دربرگیرنده همه شقوق شایع یا غیر شایع ربا در جاهلیت است و این آیه به‌عنوان اولین آیه نازل شده در این خصوص، درصدد است تا افکار عمومی را برای تحریم تدریجی ربا در آیات بعدی آماده سازد و یا می‌توان تصور نمود که ربا در این آیه، ربای جاهلی به معنای خاص یعنی ربای نسبیته یا ربای قرضی یا ربا در پوشش عطیه یا هبه یا قرض طمع آلود است که در این صورت هم مؤید این مطلب خواهد بود که ربا در قرآن، به طریق اولی دیگر شقوق آن را نیز شامل می‌شود (ر.ک: جواهری، ۱۴۰۵ق، ص ۲۶).

۷. گونه شناسی روایات تفسیری ذیل آیه

روایات ذیل آیه مورد بحث، در دو گونه تفسیری ربای حلال و ربای حرام و دو گونه تفسیری برای ربای حلال یکی هدیه و دیگری قرض، قابل دسته‌بندی می‌باشد:

۷-۱. روایات مفسر آیه به ربای حلال در قالب هدیه ربوی

طریحی در مجمع البحرین حدیثی را بدون ذکر سند نقل می‌کند که در آن ربا به دو قسم تقسیم شده است ربای ماکول و مباح و عاری از پاداش و کیفر و ربای غیر ماکول و حرام. در این روایت، کلام پروردگار در «وما آتیتم من ربا...» به ربای ماکول و به هدیه‌ای تفسیر شده است که به شخصی داده و عوضی بیش از آن هدیه از او انتظار برده شود (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۴).

کلینی و شیخ طوسی نیز همین روایت را با اندک اختلاف از امام صادق(ع) از طریق علی بن ابراهیم(کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۴۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۱۷) و نیز حرعاملی(حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۶) روایت ماکول و حلال بودن هدیه ربوی را با سه اسناد (اسناد کلینی به علی بن ابراهیم در یک روایت و به حسین به سعید در روایت دیگر و اسناد صدوق به ابراهیم بن عمر) و صدوق در الفقیه روایت را با اسناد خود از ابراهیم بن عمر از امام صادق(ع) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۵) و در همین اثر در روایات باب ربا (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۸۶) و در کتاب المُنْع (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۳)، این روایت را بطور مرسل و مقطوع آورده است.

در تمام این احادیث، با استشهاد به آیه مورد بحث، از نوعی ربای حلال و عاری از پاداش و عقاب در قالب هدیه سخن به میان آمده است و با استعمال عبارات «تُرید»، تَطْلَب و يُطَلَّب الثواب افضل منه» بر قصد و انگیزه باطنی هدیه کننده یا شرط و درخواست آشکار او بر بازگشت هدیه با مقداری بیشتر از اصل آن (هدیه ربوی)، تصریح شده است.

۷-۲. روایات مفسر آیه به ربای حلال در قالب قرض

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از امام صادق(ع) نقل می‌کند که آن حضرت قرض ربوی بر مبنای طمع و انگیزه قرض دهنده و نه مبتنی بر شرط را از مصادیق ربای حلال در آیه مورد بحث دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۵۹).

۷-۳. روایات مفسر آیه به ربای حرام

محدث نوری در مستدرک الوسائل دو روایت را از دعائم الاسلام (ر.ک: مغربی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۲۷) مبنی بر سحت و حرام بودن هدیه ربوی با استشهاد به آیه مورد بحث، ذکر می‌کند. وی در عین حال بر حرمت برخی از مصادیقی که صاحب دعائم الاسلام برای هدیه حرام ذکر نموده است همچون حرمت هدیه‌ای که هدیه کننده به برگشت آن به میزان بیشتر طمع بسته است، اعتراض می‌آورد و بابتی را با عنوان «بابُ جَوَازِ أَكْلِ عَوْضِ الْهُدْيَةِ وَ إِنْ زَادَ عَلَيْهَا» باز نموده و در این باب به ذکر روایاتی از کتاب فقه الرضا(ع) و کتب الهدایه و المقتنع صدوق، مبنی بر حلال و مآکول بودن عوض هدیه‌ای که بیش از اصل هدیه است، پرداخته است (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۴).

همچنین محمد کوفی در الاشعثیات یا الجعفریات، روایتی از امیرمؤمنان(ع) بیان می‌کند که آن حضرت در بیان مصادیق سحت و حرام، هدیه ربوی را نیز با استشهاد به آیه مورد بحث از مصادیق سحت و حرام معرفی فرموده‌اند (کوفی، بی تا، ص ۱۸۰). گفتنی است بسیاری از محققان شیعه روایات دعائم الاسلام را مرسله و غیرقابل حجیت و استناد، دانسته‌اند و به‌جز محدث نوری کسی را نمی‌توان یافت که صراحتاً به وثاقت و دوازده امامی بودن مؤلف این کتاب اشاره کند و بر فرض که ثقه و امامی بودن او را بتوان پذیرفت، روایات او بخاطر مرسله بودن، فاقد حجیت است (خوئی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۳۰). نیز کتاب الاشعثیات به دلیل وجود روایت مجهول همچون موسی بن اسماعیل در اسناد آن، فاقد وثاقت و اعتبار معرفی شده است (خوئی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

۸. نقد و بررسی نظرات مفسران

هرچند طبرسی به نقل از حسن و جبائی از انطباق این آیه بر ربای حرام خبر داده و آن را از مقوله «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَ يُرِي الصَّدَقَاتِ» (بقره: ۲۷۶) دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۷۸-۴۷۹) و نیز اندکی از مفسران، «من ربا» در این آیه را در معنای «هر زیادت داده شده برای بهره‌برداری از اموال مردم» بکار برده و با این تفسیر، آیه را در همه مصادیق ربا اعم از ربای حلال و ربای حرام، قابل استشهاد و استناد دانسته‌اند (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۳، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸،

ص ۴۵۴)، اما عمده مفسران شیعه و سنی آیه را فقط در بیان ربای محلّل دانسته‌اند و تنها در زمره ادله ربای حلال از این آیه یاد کرده‌اند. با این وجود در مصادیق ربای حلال، در تفاسیر آنان تعبیر مختلفی وجود دارد. در اینجا به مصادیق و گونه‌هایی از ربای حلال که مفسران در ذیل این آیه ذکر کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱- اقدام به عطیه یا هدیه یا هبه به منظور مَثاب واقع شدن به بیش از آن. در این گونه هدایا تمام توجه به این است که این هدیه جایی رود که مبلغ بیشتری صید کند «لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ». بدیهی است این سنخ هدایای عاری از شرط و قرارداد، حرام نبوده و تنها به دلیل تهی بودن از اخلاص، فاقد ارزش معنوی و الهی است «فلا يربوا عند الله».

۲- قرض دادن نه به شرط باز پرداخت بیشتر، بلکه به این انگیزه و قصد که مدیون در موقع اداء، زیادت‌ر ردّ کند. در مقابل این اقدام، در ادامه آیه از عطایای محض و پرداخت‌هایی همچون زکوات، یاد و ستایش شده است که تنها به انگیزه تحصیل ثواب الهی شکل می‌گیرد و عاری از شرط یا طمع بازپرداخت بیشتر است «وَمَا آتَيْتُم مِّنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ».

۳- اعطای مقداری از سود تجارت به معاون و خادم سفر تجاری. البته ابن عربی این مصداق را برای ربای مذکور در آیه با «لیربوا فی اموال الناس» سازگار نمی‌داند، چرا که تاجر، این مال را برای رشد اموال خودش و بخاطر سود بیشتری که در پرتو این همکاری تحصیل نموده است، به خادم می‌دهد!

۴- صلّه ارحام غنی براساس انگیزه‌های مادی و یافتن سهمی در اموال آنان.

۵- گرفتن سود پولی که به دیگری برای تجارت می‌دهد (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۷۸-۴۷۹ به نقل از ابن عباس و طاوس و روایت امام باقر(ع)؛ فیض، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۵۰؛ استرآبادی، بی تا، ص ۳۴۵-۳۴۸).

۶- هدیه و بخشش برای جلب قلوب یا به عنوان دیگر مثل رسوم و غیر آن که عاری از خلوص است. چنین انفاقی منطبق بر آیه «لَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ» است که در همین معنی نازل شده و از اعطاء مال به قصد ازدیاد آن نهی شده است (ر.ک: امین، ۱۳۶۱ش، ج ۱۰، ص ۱۰۶-۱۰۸).

۹. ارتباط و به هم پیوستگی معنایی اختلاف قرائات آیه

گاهی اختلاف قرائت در یک کلمه از آیه، زمینه ساز اختلاف قرائت در کلمه دیگر از همان آیه می‌شود. نمونه این اتفاق در همین آیه مشهود است، زیرا به نظر می‌رسد اختلاف قراء در قرائت مدّ (آتیم) و قصر (آتیم)، موجب اختلاف آنان در قرائت مغایب (لیربوا) و مخاطب (لیربوا) شده است. با این توضیح که قرائت قصر، به دلیل افاده معنای «اتیان الربا» یعنی «اقدام بر ربا» و تعلق مذمت و نکوهش موجود در آیه بر نفس ربا و در برگرفتن دهنده و گیرنده و همه عوامل دخیل در این دادوستد، دقیقاً با قرائت مغایب در کلمه دیگر یعنی لیربوا که به نفس ربا إسناد می‌یابد، انطباق پیدا می‌کند.

همینطور قرائت مدّ نیز به دلیل افاده معنای «ایتاء الربا» یعنی «دادن ربا» و تعلق این نکوهش قرآنی بر مُعْطیان و دهندگان این قسم هدیه ربایی، دقیقاً با قرائت مخاطب در کلمه دیگر یعنی لیربوا که به مرابیان (ربا دهندگان) إسناد می‌یابد، انطباق می‌یابد. بنابراین کاملاً آشکار است که اختلاف قرائت در کلمه اول، اختلاف قرائت در کلمه دوم را ایجاد می‌نماید و دو معنای ناشی از اختلاف قرائت در کلمه اول است که امامان قرائت را در واژه دیگر نیز یعنی لیربوا که با قرائت آتیم سازگار است و لیربوا که با قرائت آتیم سازگار است، به اختلاف افکنده است.

بر این اساس، ما معتقدیم در مواردی از این قبیل که اختلاف قرائات در چند کلمه از یک آیه با یکدیگر ارتباط و به هم پیوستگی معنایی، برقرار می‌کند، نمی‌توان اختلاف معنایی قرائات در یک سوی آیه را پذیرفت و اختلاف معنایی قرائات در سوی دیگر را نفی نمود، همانطور که در آیه مورد بحث نمی‌توان اختلاف معنایی حاصل از قرائت مغایب یا مخاطب در «لیربوا» را پذیرفت ولی اختلاف معنایی حاصل از قرائت مد و قصر در «آتیم» را انکار نمود.

گفتنی است شیخ طوسی در تفسیر این آیه دچار همین تناقض شده است زیرا وی تفاوت معنایی حاصل از دو قرائت مد و قصر را نپذیرفته و هر دو قرائت را به یک معنا یعنی «اتیان الربا» دانسته است و به نقل از ابوعلی فارسی (فارسی، ۱۳۹۱ق، ج ۵، ص ۴۴۶-۴۴۷)، در حصول این معنا، بین دو قرائت آتیم (قرائت ابن کثیر، به معنای فعلتم) و آتیم (قرائت سایرین، به معنای أعطیتهم) تفاوتی قائل نشده^۱ و معتقد است

در خصوص زکات، ایتاء الزکوة به دلیل «وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ» در ۳۷ نور و ۷۳ انبیاء، تبدیل به یک مصطلح قرآنی شده است! و بنابراین در «ما آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ» در آیه مورد بحث، قرائت مورد اتفاق همه قراء، آیتیم است؛ اما در مورد این قسم از ربا، چون اصطلاحی غالب وجود ندارد، هر دو قرائت «آیتیم من ربا» یا «آیتیم من ربا» به معنایی واحد منتهی می‌شود. این مطلب تا بدینجا اشکالی را ایجاد نمی‌کند و بیانگر نظر شیخ طوسی در اتحاد معنایی دو قرائت مدّ و قصر است. اما اشکال از اینجا پدید می‌آید که شیخ طوسی در مورد کلمه دیگر در این آیه یعنی لیربوا، اختلاف معنایی دو قرائت را پذیرفته است و تفاوت معنایی دو قرائت را در این می‌داند که در قرائت مغایب، ربا به معنای یزید و فاعل آن ربا به تقدیر مضاف محذوف است یعنی «لی زید فعل الربا أو إعطاء الربا فی اموال الناس»؛ و در قرائت مخاطب، فاعل تُربوا، ربا دهندگان و معطیان این قسم ربا است یعنی «تصبروا (انتم المرابون) ذوی زیادة فی اموال الناس» (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۳).

این همان تناقضی است که از آن یاد کردیم، زیرا در دو اختلاف قرائت به هم پیوسته و رابطه دار در یک آیه، نمی‌توان تفاوت معنایی یکی را نفی و تفاوت معنایی دیگری را مورد پذیرش قرار داد. مضافا بر اینکه بر خلاف دیدگاه شیخ طوسی که تفاوتی بین دو قرائت مد و قصر و دو معنای فعل ربا و إعطاء ربا قائل نیست و اختلاف قرائت در این خصوص و اتحاد قرائت در ایتاء الزکوة را صرفا ناشی از وجود قرائن لفظی در مقوله زکات می‌داند، ثمره فقهی مترتب بر هر یک این دو قرائت بسیار متفاوت به نظر می‌رسد، چراکه در قرائت اول مذمت و نکوهش موجود در آیه بر نفس این قسم از ربا مترتب می‌شود و لذا دامان دهنده و گیرنده و همه عوامل دخیل را فرامی‌گیرد و در قرائت دوم، مخاطبان این نکوهش قرآنی صرفا مُعطیان و دهندگان این قسم هدیه ربایی خواهند بود.

بنابراین تفاوت معنایی ناشی از دو قرائت مد و قصر در ارتباط تنگاتنگ با تفاوت معنایی دو قرائت مخاطب و مغایب است و این تفاوت نیز همچون تفاوت معنایی دو قرائت مخاطب و مغایب، قابل توجیه و اثبات می‌باشد.

۱۰. اثر اختلاف قرائت آیه در برداشت‌های فقهی

همانطور که اشاره شد این آیه از زمره آیات الاحکام قرآن است که اختلاف قرائت در آن برداشت‌های تفسیری و فقهی متفاوتی را رقم زده است. هرچند دانستیم که این آیه دلالت قطعی بر تحریم ندارد و نمی‌تواند برای حکم به تحریم مورد استناد قرار گیرد، اما مطابق تبیین زیر مشاهده می‌کنید که مفاهیم مستفاد از هر قرائت آن با قرائت دیگر تفاوت‌های اساسی دارد و به نظر می‌رسد اختلاف تفسیر ربا در این آیه در عبارات مفسران و فقیهان تا حدود زیادی می‌تواند مبتنی بر اختلاف قرائت آیه و حجیت این قرائت باشد:

۱۰-۱. تفاوت مفاد فقهی دو قرائت مد و قصر

قرائت جمهور (آتیم)، آیه را به نکوهش ربا دادن (ایتاءالربا)، معطوف می‌نماید و منع را به مُرابیان و ربا دهندگان متوجه می‌سازد و آیه در این قرائت نسبت به ربا گرفتن مسکوت است. اما قرائت ابن کثیر (آتیم)، به نکوهش هرگونه اقدام به ربا (ایتیان الربا) یعنی اعم از ربا دادن یا ربا گرفتن، منتهی می‌شود و ممنوعیت را به سمت عموم ربا متوجه می‌سازد.

ثمره فقهی فوق در عبارات برخی مفسران، فقیهان و محققان علوم قرآنی با صراحت بیان شده است. اینان معتقدند که آیه از منظر پروردگار متعال بر چیزی بیشتر از «نهی افزایش مال از طریق ربا»، دلالت ندارد و در واقع توجیه گر حکم به تحریم ربا در آیات بعد (در سوره‌های نساء، آل عمران و بقره) است و خود بر تحریم دلالت ندارد. از نظر اینان قرائت مد (آتیم)، بر نکوهش ربا دادن و بی‌ارزش بودن آن در منظر پروردگار دلالت دارد و نسبت به أخذ ربا مسکوت است. اما قرائت قصر (آتیم) بر نکوهش هرگونه اقدام به ربا اعم از دادن یا گرفتن دلالت دارد. به عبارت دیگر قرائت اول منع و نکوهش را به شخص مُرابی و قرائت دوم، منع و نکوهش را به عموم ربا متوجه می‌سازد (ر.ک: قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۳۷؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۹۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۰؛ حبش، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸۱-۲۸۲).

البته قاضی بیضاوی در تفسیر أنوارالتنزیل و أسرارالتأویل (۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۰۸) و زمخشری در تفسیر کشاف (۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۱)، مخاطب آیتیم در قرائت مدّ را فقط رباگیرندگان دانسته و در تأویل آیه گفته‌اند: «ما أعطیتم أکله الربا من زیادة محرمة لیزید و یزکو فی أموالهم یعنی ربا و زیاده‌ای که به رباخواران می‌دهید تا در اموال رباخواران فزونی حاصل شود»، اما بدیهی است این تأویل، نمی‌تواند درست باشد و با «فلا یربوا عندالله» و با فقره دوم آیه یعنی «و ما آتیتم من زکوة» و با قرائت نافع و یعقوب که «لیربوا» را «لیربوا» قرائت نموده‌اند، تناسب ندارد. زیرا آیه درصدد القاء این آموزه است که رباخواران باید بخشودن یا قرض دادن مال به طمع جلب بهره مادی را ترک نموده و به زکات و انفاق که عوض مادی ندارد، روی آورند (استرآبادی، بی‌تا، ص ۳۴۶-۳۴۷).

۱۰-۲. تفاوت مفاد فقهی دو قرائت مخاطب و مغایب

در قرائت لیربوا، نکوهش ربا در آیه به قصد ربا دهنده (بنابر قرائت آیتیم) و به قصد فاعل ربا اعم از رباگیرنده و ربا دهنده (بنابر قرائت آیتیم) منوط می‌شود و از این رو در صورت عدم قصد، منعی در کار نخواهد بود. در حالی که بر طبق قرائت لیربوا، چون فاعل زیادت مال را می‌بایست نفس «ربا» در نظر گرفت، منع مطلق ربا اثبات می‌شود، چه مرتکب ربا، در اندیشه و قصد ربا باشد یا نباشد (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۳).

۱۰-۳. تفاوت برداشت‌های مصداقی و حکمی از آیه

تنوع برداشت‌های حکمی از قبیل استناد ربای حلال یا حرام و یا هر دو به این آیه و نیز تنوع برداشت‌های مصداقی همچون تفسیر ربا در آیه به عطیه یا هدیه یا هبه یا قرض فایده دار یا ربای نسیئه و غیره، همه حاکی از توجه مفسران و فقیهان به اختلاف قرائات آیه و پذیرش حجیت و رسمیت قرائات مشهور است و این عمده مطلبی است که این مقاله درصدد ارائه و اثبات آن است. بدیهی است قرائت آیتیم که به معنای ایتاء

و اعطاء است ظرفیت تفسیر ربا در آیه را به عطیه یا هدیه یا هبه را که اقدامی یک طرفه و فارغ از درخواست و پاسخ است، در درون خود جای داده است. در حالی که قرائت اُتیم که به معنای اِتیان و انجام ربا است، ظرفیتی دو طرفه اعم از دهنده و گیرنده را در معنای خود نهفته دارد و بر این اساس این قرائت با مصادیق دو سویه همچون قرض تَوأم با طمع یا طلب فائده و سود که تقاضای وام گیرنده و اجابت وام دهنده را در دو سوی خود دارد، سازگار است. از جهت حکمی نیز لحاظ طمع و انگیزه خفی یا طلب و شرط آشکار مُعطی یا مُقرض در سودآور بودن این اقدام که منجر به صدور حکم ربای حلال یا حرام شده است، مطلبی است که ریشه در دو قرائت «لِیْرَبُوا» و «لُتْرَبُوا» دارد. زیرا دانستیم که «لِیْرَبُوا» فارغ از معنای اراده و قصد آشکار و «لُتْرَبُوا» حائز این معناست.

۱۰-۴. اثر اختلاف قرائت آیه در تفسیر ربا به عطیه یا هبه و هدیه

برای نشان دادن این تاثیر به ناچار می‌بایست مقدمه‌ای را در تعریف این عناوین فقهی ذکر کنیم. در فقه اسلامی، عطیه عنوانی عام است که بر تمام اقسام بخشش اعم از وصیت و وقف و هبه و هدیه و صدقه، انطباق دارد. اگر عطیه، معلق (مشروط) بر وفات مُعطی باشد، آن را وصیت گویند و اگر منجز (قطعی) و مقید باشد آن را وقف گویند و اگر منجز و مطلق باشد آن را هبه عام گویند که شامل هدیه و صدقه و هبه خاص می‌شود. فرق هدیه و صدقه و هبه خاص نیز بر خلاف برخی فقیهان که هر سه را به یک معنا دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۳۰۳) در این است که عطیه با قصد قربت اعم از منقول و غیر منقول را صدقه گویند اما عطیه بدون قصد قربت را در صورت منقول بودن، هدیه و در صورت غیر منقول بودن، هبه خاص گویند.

بنابراین هر هدیه یا صدقه‌ای هبه عام است اما هر هبه‌ای هدیه یا صدقه نیست و ممکن است هبه خاص باشد. بر همین اساس اگر شخصی قسم بخورد که چیزی را هبه نکند و متعاقب این قسم، آن چیز را صدقه بدهد یا هدیه کند، قسم خود را نقض نموده است اما اگر قسم بخورد که چیزی را صدقه یا هدیه ندهد و آن را هبه کند، قسمش را

نقض ننموده است. (علامه حلی، بی تا، ص ۴۱۴). تفاوت دیگری که بین هبه خاص و هدیه و صدقه وجود دارد این است که در هبه علاوه بر اقباض موهوب، به موهوب له یا ولیّ او، ایجاب واهب و قبول موهوب له نیز شرط است (علامه حلی، بی تا، ص ۳۶۵)؛ اما بنا بر مشهور فقهاء، در هدیه و صدقه به ایجاب و قبول نیاز نیست (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۱۰).

به نظر می‌رسد این تفاوت ماهیت فقهی بین هبه و هدیه نیز در اختلاف تفاسیر ربا در آیه به هبه یا هدیه و گاهی با عنوان عام عطیه، متأثر از اختلاف قرائت این آیه است؛ زیرا قرائت قصر روی سخن با هردو طرف یعنی دهنده و گیرنده دارد و با تفسیر ربا به هبه (هبه خاص) که امری طرفینی است، سازگار است و قرائت مدّ روی سخن با مُعطی دارد و با تفسیر ربا به هدیه که فعلی یکطرفه است و به قبول مُهدی الیه نیاز ندارد، سازگارتر است. و نیز هر دو مورد از هبه و هدیه در حالت طمع افزونی، با قرائت لیربوا و در حالت شرط افزونی، با قرائت لیربوا هماهنگی خواهد داشت.

۱۱. بررسی قرائت‌های مختار در آیه

از مجموع نظراتی که بیان شد می‌توان قرائت‌های مختار مفسران و فقیهان شیعه را برداشت نمود. ابتدا به‌عنوان نمونه، نحوه برداشت و تحلیل قرائت مختار سه نفر از استوانه‌های فقه و تفسیر شیعه را بیان کرده و سپس به ذکر یک ضابطه کلی در این خصوص می‌پردازیم و در پایان قرائت مختار خود و دلیل این اختیار را ذکر می‌کنیم:

۱-۱۱. قرائت مختار شیخ طوسی

وی آیه را در بیان ربای حلال و بدون پاداش و عقاب و در مورد عطیه‌ای می‌داند که اعطاء کننده آن درصدد و نیت دریافت تفاضل و اضافی باشد یا تفاضل را درخواست و شرط نماید (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۲).^۳ از این برداشت فقهی می‌توان دریافت که شیخ طوسی قرائت مدّ و مخاطب (آیتیم - لُربوا: قرائت نافع) و قرائت مدّ و مغایب (آیتیم - لیربوا: قرائت سبع به جز نافع و ابن کثیر) را اختیار نموده

است. زیرا وی تفاوت معنایی بین دو قرائت مدّ و قصر در فعل ماضی را انکار نموده و هر دو قرائت را به یک معنا (أعطیتم) منتهی دانسته، ولی تفاوت معنایی بین دو قرائت مغایب و مخاطب در فعل مضارع را پذیرفته و فعل مضارع را در قرائت مغایب، به ربا و در قرائت مخاطب به مرابی و ربا دهنده اسناد داده است. البته همانطور که در فراز نهم بیان شد، پذیرش تفاوت معنایی در دومین اختلاف قرائت آیه (لیربوا و لیربوا) با پذیرش یکسان دانستن معنای دو قرائت در اولین اختلاف قرائت آیه (آتیتم و آتیتم)، چندان قابل جمع نیست و به تضاد می‌انجامد.

۱۱-۲. قرائت مختار طبرسی

وی نیز همچون طوسی تفاوت معنایی مدّ و قصر را مورد انکار قرار می‌دهد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۲۶۹)، با این تفاوت که طبرسی آیه را از مقوله «یمحق الله الربا و یربی الصدقات» (بقره: ۲۷۶) و در بیان ربای حرام می‌داند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۷۸-۴۷۹). این تفسیر، بر نکوهش مطلق ربا (ما آتیتم یعنی ما فعلتم من الربا) و اسناد فعل «لیربوا» به نفس ربا اعم از دهنده و گیرنده آن دلالت دارد و از اختیار قرائت «آتیتم- لیربوا» (قرائت ابن کثیر) توسط طبرسی حکایت می‌کند.

۱۱-۳. قرائت مختار صدوق

وی آیه مورد بحث را بر هدایا و عطایائی انطباق می‌دهد که با قصد و نیت تفاضل و فزونی مال صورت پذیرد. این انطباق و استشهاد به چندین روایت در این خصوص، حکایت از این دارد که ایشان نیز ربای آیه را از مقوله ربای حلال و در قالب هدیه و عطیه‌ای که با قصد و نیت تفاضل شکل می‌گیرد، دانسته و قرائت مدّ و مغایب (آتیتم- لیربوا: قرائت قراء سبع بجر نافع و ابن کثیر) را اختیار نموده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ص ۳۷۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۵).

۱۱-۴. ضابطه کلی در برداشت قرائت‌های مختار

بنا بر نمونه‌هایی که ذکر شد، می‌توان در یک قاعده و قانون کلی نحوه اختیار هر قرائت از قرائات این آیه توسط سایر مفسران و فقیهان شیعه یاد شده در این تحقیق را بدین شکل تبیین نمود:

الف- کسانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن قرض یا دادن عطیه توأم با نیت تفاضل و بدون اشتراط، تفسیر کرده‌اند، قرائت مدّ (آیتیم) را که به معنای اعطاء است و بر اسناد فعل به ربادهندگان دلالت دارد و قرائت مغایب (لیربوا) را که صرفاً به ربا اسناد می‌یابد و نسبت به شرط یا عدم شرط تفاضل از سوی عوامل ربا، اطلاق دارد، اختیار نموده‌اند و به عبارت دیگر در هر دو کلمه دارای اختلاف قرائت در این آیه، یک قرائت واحد یعنی قرائت قراء سبع بجز نافع و ابن کثیر را برگزیده‌اند.

ب- کسانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن هدیه و عطیه با شرط تفاضل، تفسیر کرده‌اند، قرائت مدّ (آیتیم) را که به معنای اعطاء است و بر اسناد فعل به ربادهندگان، دلالت دارد و قرائت مخاطب (لتربوا) را که به مرابیان و ربادهندگان اسناد می‌یابد و بر شرط تفاضل و دریافت اضافی دلالت دارد، اختیار نموده و به عبارت دیگر در هر دو کلمه دارای اختلاف قرائت در این آیه، یک قرائت واحد یعنی قرائت نافع را برگزیده‌اند.

ج- کسانی که ربای آیه را به ربای حرام (ربای معاوضی یا قرضی)، تفسیر کرده‌اند، در «آیتیم»، قرائت قصر (قرائت ابن کثیر) را که بر اتیان و انجام مطلق ربا اعم از دادن و گرفتن، دلالت دارد، اختیار نموده‌اند و در «لیربوا»، قرائت مخاطب (قرائت نافع) را که بر شرط تفاضل بین عوامل ربا، دلالت دارد، اختیار نموده‌اند.

۱۱-۵. انتخاب یکی از وجوه قرائات

با اینکه، فزونی تفسیر ربای آیه، به ربای حلال و دادن هدیه و عطیه با نیت یا درخواست تفاضل یا دادن قرض و وام با نیت تفاضل، قرائت مدّ و مغایب (آتیم- لیربوا) یعنی قرائت قراء سبع بجز نافع و ابن کثیر را در اُنظار تقویت می‌نماید، لکن ما با توجه به ساختار و سیاق آیه، قرائت مدّ و مخاطب(قرائت نافع) و قرائت قصر و مغایب(قرائت ابن کثیر) را بر قرائت دیگر ترجیح می‌دهیم. زیرا همانطور که اشاره شد قرائت مدّ «آتیم» به معنای «أعطیتم» با قرائت مخاطب «لُربوا» به معنای «لتزددوا انتم المّعطون» و قرائت قصر «آتیم» به معنای «فعلتم» با قرائت مغایب «لیربوا» به معنای «لیزید الربا المأخوذ او المعطى» تناسب دارد. در حالی که قرائت مدّ و مغایب(قرائت سایر قراء سبع و عشر) به دلیل عدم سازگاری معنایی دو وجه این قرائت با یکدیگر، قرائتی ناهمگون و در معرض اشکال به نظر می‌رسد. زیرا جمع قرائت مدّ (آتیم) با قرائت مغایب (لیربوا) در آیه، به این دلیل که اولی موجب إسناد فعل به مرابیان و ربا دهندگان و دومی موجب إسناد فعل به نفس ربا و مشتمل بر ربا دهنده و ربا گیرنده می‌شود و این دو إسناد از لحاظ کمّی با یکدیگر همخوانی ندارد، جمعی نامتناسب به نظر می‌رسد.

اختلاف قرائت در اولین آیه ربا و اثر آن در برداشت‌های تفسیری و فقهی					
«وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّيرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ»					
قرائت ابن کثیر		قرائت نافع و ابوجعفر و یعقوب		قرائت سایر قراء سبع و عشر	
آتیم	لیربوا	آتیم	لُربوا	آتیم	لیربوا
تأویل: ما جئتم أى فعلتم من زیادة لیربوا		تأویل: ما أعطیتم من زیادة لإربائکم أى لإئنائکم (ایها المّعطون) فى اموال الناس فلا یزید عندالله: آنچه ربا		تأویل: ما أعطیتم من زیادة لیربوا	
فى اموال الناس فلا یزید عندالله:		فى اموال الناس فلا یزید عندالله: آنچه ربا		فى اموال الناس فلا یزید عندالله: آنچه ربا	

<p>مردم فزونی یابد، آن افزایش در نزد پروردگار معتبر نیست.</p>	<p>می‌دهید بدین منظور و غرض که در اموال مردم فزونی یابید، آن افزایش در نزد پروردگار معتبر نیست.</p>	<p>آنچه اقدام به ربا می‌کنید تا در اموال مردم فزونی یابد، در نزد پروردگار اعتبار و ارزشی ندارد.</p>
<p>اثر حکمی: توجه نکوهش آیه به دهنده ربا + اطلاق آیه نسبت به نیت یا شرط تفاضل</p>	<p>اثر حکمی: توجه نکوهش آیه به دهنده ربا + صراحت آیه نسبت به اشتراط تفاضل</p>	<p>اثر حکمی: توجه نکوهش آیه به فعل ربا (اعم از دهنده و گیرنده) + اطلاق آیه نسبت به نیت یا شرط تفاضل</p>
<p>اثر مصداقی: انطباق با عطیه و هدیه و هبه عام و سایر تعاملات یکطرفه که با انگیزه برگشت بیشتر توأم باشد</p>	<p>اثر مصداقی: انطباق ربای آیه با عطیه و هدیه و هبه عام و سایر تعاملات یکطرفه که مشروط به برگشت بیشتر باشد.</p>	<p>اثر مصداقی: انطباق ربای آیه با قرض و هبه خاص و سایر تعاملات ربوی دو طرفه که با انگیزه برگشت بیشتر توأم باشد</p>
<p>قرائت مختار مفسران و فقیهانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن قرض یا دادن عطیه بدون اشتراط تفاضل، تفسیر کرده‌اند.</p>	<p>قرائت مختار مفسران و فقیهانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن هدیه و عطیه با شرط تفاضل، تفسیر کرده‌اند.</p>	<p>قرائت مختار مفسران و فقیهانی که ربای آیه را به ربای حرام (ربای معاوضی یا قرضی)، تفسیر کرده‌اند. البته اینان در دومین کلمه دارای اختلاف قرائت در آیه، به قرائت نافع (لُتْرِبُوا) گرایش یافته‌اند.</p>

نتیجه گیری

۱- اختلاف قراء سبع و عشر در دو کلمه از آیه ۳۹ روم، اولین آیه نازل شده در موضوع ربا، سه قرائت متفاوت را در آیه پدید آورده است. هر یک از این سه قرائت در تفسیر و نتیجه فقهی مستخرج از آیه تأثیرات متفاوتی بر جا نهاده است.

۲- تنوع برداشت‌های حکمی و مصداقی مفسران و فقیهان از این آیه، از تاثیر انکارناپذیر اختلاف قرائت در برداشت‌های تفسیری و به تبع آن برداشت‌های فقهی در حوزه آیات الاحکام، و از اعتبار قرائات سبع و عشر مشهور در نظر مفسران و فقیهان شیعه، حکایت دارد:

۱-۲- از جهت مصداقی، قرائت قصر (أتیتم) که به معنای ایتان و انجام ربا است و مطلق دادن و گرفتن ربا از آن استنباط می‌شود و ماهیتی دو طرفه را در معنای خود نهفته دارد، بر مصداق دو سویه همچون قرض ربوی که تقاضای وام گیرنده و اجابت وام دهنده را در دو سوی خود دارد یا هبه ربوی که به ایجاب و اهب و قبول موهوب له نیاز دارد، انطباق می‌یابد. در حالی که قرائت مدّ (أتیتم) که صرفاً به معنای ایتاء و دادن ربا است، با مصداق یک‌سویه همچون هدیه ربوی که اقدامی یکطرفه و فارغ از ایجاب و قبول است، سازگاری دارد.

۲-۲- از جهت حکمی، لحاظ نیت و انگیزه درونی مُعْطَى یا مُقْرَض در سودآور بودن عطیه یا قرض که ربای حلال و بدون ثواب و عقاب را شکل می‌دهد و یا لحاظ درخواست و شرط آشکار مُعْطَى یا مُقْرَض در سودآور بودن عطیه یا قرض که ربای حرام را تداعی می‌کند، دو برداشت فقهی متفاوت است که از دو قرائت غایب و مخاطب در «لَيُرْبُوا» و «لَيُرْبُوا» نشأت می‌گیرد. زیرا «لَيُرْبُوا» بر طمع و قصد درونی و «لَيُرْبُوا» بر شرط و قصد آشکار دلالت دارد. به عبارت دیگر، قرائت مخاطب ناظر به نکوهش ربا در صورت شرط تفاضل در بازپرداخت و قرائت «لَيُرْبُوا» ناظر به نکوهش مطلق ربا است.

۳- در یک ضابطه کلی، فقیهان و مفسرانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن قرض یا عطیه بدون اشتراط تفاضل، تفسیر کرده‌اند، به قرائت قراء سبع بجز نافع و ابن کثیر در این آیه روی آورده‌اند و فقیهان و مفسرانی که ربای آیه را به ربای حلال در قالب دادن هدیه و عطیه با شرط تفاضل، تفسیر کرده‌اند، به قرائت نافع گرایش یافته‌اند و مفسران و فقیهانی که ربای آیه را به ربای حرام (ربای معاوضی یا قرضی)، تفسیر کرده‌اند، در فعل ماضی آیه، قرائت ابن کثیر (أتیتم) و در فعل مضارع، قرائت نافع (لتربوا) را اختیار نموده‌اند.

۴- قرائت مختار از نظر ما، دو قرائت ابن کثیر و نافع می‌باشد. زیرا از نظر ساختار و سیاق آیه، مدّ با مخاطب و قصر با مغایب، تناسب و ارتباط معنایی دارد.

یادداشت‌ها

۱- در تفسیر جوامع الجامع نیز به همین مطلب اشاره شده است: و قرئ: «وَمَا أَتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً» و هو يؤل فی المعنی إلى قراءة مَنْ مدّ و هو كما تقول: أتیت الخطاء و أتیت الصواب (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۲۶۹)

۲- شیخ طوسی ربا در این آیه را به معنای اهدای هدیه به منظور دریافت معوضی بیشتر و برتر از آن تلقی نموده و اطلاق اسم ربا بر این عمل را بخاطر زیادتی دانسته است که در این داد و ستد برای معطی حاصل می‌شود: «سمی هذا المدفوع علی هذا الوجه ربا لما كان فيه من الاستزادة». وی در پایان تفسیر این فراز از آیه، با نقل اقوال بزرگانی همچون طاوس و جبائی، معنای «فلا یربو عندالله» را نیز تاکید بر این واقعیت می‌داند که زیادت حاصل از این نحو هدیه ی ربایی برای ربا دهنده و دیگر عوامل دخیل، در حقیقت به صاحب مال تعلق دارد و به آنان تعلق نمی‌یابد و لذا پروردگار متعال این زیادت و سود حاصل از این قسم ربا را به رسمیت نشناخته و مشروع و پسندیده ندانسته است (فلا یربوا عندالله) و در هر صورت معنای کلی آیه شریفه را دور داشتن مردم از ربا و ترغیب آنان به اعطای صدقات محض دانسته است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۵۳-۲۵۴).

۳- فمن مدّ أراد أعطیتم من قوله «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا» و من قصره فالمعنى يؤل الى قول من مدّ إلا انه على لفظ «فعلتكم».... و من ضم «لتربوا» فالمعنى لتصبروا ذوي زيادة في ما آتيتم من أموال الناس أي يستدعونها(يعني تفاضل را درخواست و شرط نماید نه اینکه صرفاً در نیت خود قرار داده باشد) من أربى إذا صار ذا زيادة مثل أقطف و اضرب. و من فتح أسند الفعل الى الربوا المذكور و قدر المضاف (لیربوا فعل الربا او إعطاء الربا)، فحذفه كما قيل: اجتذاب أموال الناس و اجتلابه. و يجوز ذلك. و سمي هذا المدفوع على هذا الوجه ربا لما كان فيه من الاستزادة.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین
- _____، (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی (ع)
- ابن جزری (بی تا)، النشر فی القراءات العشر، مصحح: الضباع، علی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة
- ابن خلف، ابوطاهر اسماعیل (۱۴۰۵ق)، العنوان فی القراءات السبع، بیروت: عالم الکتب
- ابن عربی (۱۴۲۱ق)، ابوبکر محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العربی
- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر
- ابن مجاهد (۲۰۰۹م)، السبعة فی القراءات، قاهره: دارالمعارف
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: انتشارات جامعه مدرسین
- استرآبادی، محمد بن علی بن ابراهیم (بی تا)، آیات الأحکام، تهران: کتابفروشی معراجی
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱ ش)، مخزن العرفان، تهران: نهضت زنان مسلمان
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت

- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- جواهری، حسن محمد تقی (۱۴۰۵ق)، *الربا فقهياً و اقتصادياً*، قم: مطبعة الخيام
- حبش، محمد (۱۴۱۹ق)، *القراءات المتواترة و أثرها فی الرسم القرآنی و الأحکام الشرعیة*، دمشق: دار الفكر
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق): *منتهی المطلب*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة
- _____، (بی تا)، *تذکره الفقهاء (ط - القدیمة)*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق
- دعاس، حمیدان قاسم (۱۴۲۵ق)، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق: دار المنیر
- رازی، ابوالفتح، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*، قم: انتشارات جامعه مدرسین
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۰ق)، *المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات
- _____، (۱۴۲۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة

- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، *مستمک العروة الوثقی*، قم: مؤسسه دارالتفسیر
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ق)، *العروة الوثقی مع التعليقات*، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع)
- _____، (۱۴۲۲ق)، *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمينی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو
- _____، (۱۳۷۷ش)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، تهران: المكتبة المرتضوية
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- _____، (۱۳۶۵ش)، *التهدیب*، تهران: دار الکتب الإسلامیه
- _____، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، محقق: کشفی، سید محمد تقی، تهران: المكتبة المرتضوية
- عاملی، محمد جواد (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الكرامة*، محقق: خالصی، محمد باقر، قم: انتشارات جامعه مدرسین
- علی، جواد (بی تا)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دار الملايين
- فارسی، ابوعلی حسن بن عبد الغفار (۱۴۱۳ق)، *الحجة للقراء السبعة*، بیروت: دارالمأمون للتراث
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات صدر
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا)، *المصباح المنیر*، قم: منشورات دار الرضی

- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری (۱۴۰۵)، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دارالتراث العربی
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *الرسالة الجعفریة (رسائل المحقق الکرکی)*، قم: کتابخانه مرعشی
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة
- کوفی، محمد بن محمد بن اشعث (بی تا)، *الجعفریات (الأشعثیات)*، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (ابوحنیفه) (۱۳۸۵ش)، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، *الربا و البنک الاسلامی*، قم: انتشارات مدرسه الامام علی (ع)
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۴ق)، *مصباح الفقاهه*، مقرر: توحیدی تبریزی. نجف: المکتبه الحیدریة
- نجفی، عباس بن علی (کاشف الغطاء) (بی تا)، *المعاملات المصرفیة*، بی جا: مؤسسه کاشف الغطاء
- نجفی، محمد حسن (۱۳۷۳ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)